



## قرآن، خودش معجزه است، چگونه می توان از راز اعجاز در يك معجزه سخن گفت؟

ادبی که اهل فن پدید می آورند نیز گاهی ذکر می شود، و با آنکه تاریخ بشری در طول زمان دیرپای خود، آثار جاودان ادبی پدید آورده است، ولی آنها با همه زیبایی و بدیعی، جز بصورت مجاز و مراعات نسبت، با معیارهای زیبایی قرآن نقطه اشتراکی ندارد.

آن آثار ادبی، گرچه زیباست، اما زیبایی اش در محدوده توان بشری است و آنگاه که فروغ «جمال قرآن» می تابد، زیبایی آنها متلاشی و از هم گسسته می شود.

مانند شمع، که وقتی خورشید جهانتاب نور می گسترد، فروغش را از دست می دهد. و چرا چنین نباشد؟ که قرآن، کلام آفریدگاری است که رازهای آسمانها و زمین را می داند و او که آمرزنده و مهربان است. این سخن والا را بر زمین فرود آورده است.

رفته اند و همچنان از جمال قرآن و اسرار اعجاز آن بحثها کرده اند و در هر عصر و هر منطقه ای، کاوشگران قرآن به دیدگاهی تازه و نظری نو دست یافته اند، در حالی که اسرار قرآن و اعجازش، همواره دست نخورده باقی مانده است.

### آئینه جمال

قرآن مجید، در زبان و امت عرب نیز تاثیر شگرفی برجای نهاده و عربیت را به قلّه کمال رسانده است. با شیوه عربی روشن، دین پیامبر خاتم «ص» را بازگو کرده است. زبان قرآنی نیز؛ محتوای عظیم این دعوت بزرگ و جاودانه، هماهنگی داشته و همین سبب شده که

برخی گفته اند: خداوند، مردم را از توان معارضه با قرآن، بازداشته است.

برخی گفته اند: قرآن با زیباترین شیوه، از امتهای پیشین و دوران های گذشته، سخن گفته است.

برخی راز اعجاز قرآن را در پیشگوییهای غیبی آن دانسته اند

بعضی گفته اند: با اینهمه مفاهیم گسترده و وسعت مضامین، نداشتن هیچگونه تناقض و تعارض، دلیل اعجاز آن است.

برخی گفته اند: خداوند، به قدرت خویش آن را از تحریف و تبدیل نگه داشته است.

بعضی، رمز معجزه بودنش را در بلاغت و بیان، نظم و اسلوب و تصویر و تعبیرهایش دانسته اند.

و کسانی گفته اند: دیدگاه و نگرش کلی قرآن به «هستی»، «زندگی» و «انسان»، معجزه است. برخی هم وجود حقایق علمی و اسرار وجود را که در آن نهفته، سر اعجازش پنداشته اند.

بعضی گفته اند: اینکه قرآن برای هر زمان و مکان قانون می گذارد، معجزه است.

برخی هم اعتراف کرده اند: هنگام تلاوت قرآن، احساسهای بی نظیر روحانی و معنوی به انسان دست می دهد.

و بالاخره بعضی گفته اند: قرآن، خودش معجزه است، چگونه می توان از راز اعجاز در يك معجزه سخن گفت؟ نسلها، یکی پس از دیگری آمده و

## قرآن مجید، در زبان و امت عرب نیز تاثیر شگرفی برجای نهاده و عربیت را به قلّه کمال رسانده است

### «فصاحت قرآنی» واژه های ناخوشایند و خشن عصر جاهلی را هم از میدان به در کرد و وضوح مفهوم را عرضه داشت

«قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا» (فرقان، آیه ۶)

### جایگاه «کلمه» در تعبیر قرآنی

از نمودهای تجلی شیوه قرآنی و تعبیرات ویژه این کتاب آسمانی، «کلمات»، «ترکیبها»، «نظم»، «نحوه پرداخت»، «تصویر هدفها» و «بلاغت و موسیقی خاصی» است که در سوره ها و آیات آن نهفته است.

قبایل شبه جزیره عربستان، از چشمه سار زلال قرآن سیراب شوند و لهجه های گوناگون و فراوان خویش را در جلوه گریهای «زبان قرآنی» کنار بگذارند و به این باور برسند که اسلوب بی نظیر قرآن، نمونه برتر و والای بیان شیوا و تعبیر زیباست.

هرکس به مطالعه قرآن پردازد، در اسلوب و روش قرآن، ویژگیهای فنی و هنری برجسته ای را مشاهده می کند.

این ویژگیها، هر چند در بررسی آثار

# الکتابة الفیئیه

فی مشرق الدولة الإسلامیة  
فی القرن الثالث الهجری

الکتوریین ناعمة  
مؤسسة الرسالة

مؤسسة الرسالة

گاهی برخی کلمات، برای بعضی از لغوین هم نامفهوم است، و این بستگی به محدودیت اطلاعات آنان از عرصه پهناور مفهوم لغات و دقت و ظرافت در معانی آنهاست و گاهی رعایت موسیقی کلام یا هماهنگی فرازها و تعابیر، به کار گرفتن واژه‌ای خاص را ایجاب می کرده است که اندکی دور از اذهان است، بی آنکه برخلاف فصاحت و بلاغت باشد

عرب، لغت را بصورت تک واژه‌هایی ناپایدار پدید آورد، لیکن قرآن، به واژه‌ها ترکیبی جاودانه بخشید با آنکه قرآن بطور عمده، کتاب دین و دعوت است، ولی اغلب بصورتی دلنشین و گیرا در قالبیهای داستانی یا تمثیلاتی زیبا و ملموس یا ترسیم نوعی از درگیرها و صحنه‌های کشمکش جناحی و فردی، اندیشه‌ها را مستخرمی سازد و وجدان را برمی انگیزد و دل و جان را گرفته به سوی افق مورد نظر (ایجاد باور و ایمان و هدایت به حق) می کشاند.

به قول «سید قطب»: «در اسلوب قرآنی، «تصویر»، ابزاری برگزیده‌تر از دیگر ابزارهاست

واژه‌های قرآن، «برگزیده» است، به بهترین صورت و گوش نوازترین شکل و با هماهنگی کامل با مفاهیم، به کار گرفته شده است؛ بگونه‌ای که اگر بکوشی تا واژه‌ای را جایگزین واژه دیگر کنی، نخواهی توانست. در لغات، مرادفی برای آنها نمی‌یابی و به واژه‌ای ناخوشایند و ترکیبی نابسامان بر نمی‌خوری. کلمات، همه فصیح و معنی دار و پیوند خورده با معانی و رسا و گویا نسبت به مقصود است.

«فصاحت قرآنی» واژه‌های ناخوشایند و خشن عصر جاهلی را هم از میدان به در کرد و وضوح مفهوم را عرضه داشت. اگر بندرت، امروز به واژه‌ای برخورد کنی که معنایی دشوار و نیازمند توضیح داشته باشد، بی شک در دوره‌های نخستین که لغات، از سلامت ویژه‌ای برخوردار بود، بسیاری از آنها مفهومی روشن داشته است، بعلاوه، دو گونه «غرابت» در لغت وجود دارد، یکی غرابت لغوی، دیگری غرابت بلاغی. در گونه نخست، معنای کلمه به تناسب آگاهی گروهی از مردم از میراث لغت و فرهنگ یا ناآگاهی شان، گاهی نامفهوم می‌نماید. و در گونه دوم، نامفهومی کلمه در ویژگیهای کلام تأثیر می‌گذارد. نوع دوم - یعنی غرابت بلاغی مفهوم - هرگز در قرآن نیست، نه نارسایی معنوی دیده می‌شود، نه شیوه‌های غیرفصیح در کاربرد کلمات.

اما گاهی برخی کلمات، برای بعضی از لغوین هم نامفهوم است، و این بستگی به محدودیت اطلاعات آنان از عرصه پهناور مفهوم لغات و دقت و

ظرافت در معانی آنهاست و گاهی رعایت موسیقی کلام یا هماهنگی فرازها و تعابیر، به کار گرفتن واژه‌ای خاص را ایجاب می کرده است که اندکی دور از اذهان است، بی آنکه برخلاف فصاحت و بلاغت باشد ...

گاهی اگر معنای واژه‌ای دشوار است، سیاق سخن ما را به مفهوم آن رهنمون می‌گردد ...

گاهی خود آیات قرآن، به توضیح پیرامون یک واژه می‌پردازد.

ولی به هر حال، نحوه کاربرد تعابیر و ترکیبها، همه بجا و بسامان و استوار است و هر یک چون نگینی در جای خود نشسته و به بهترین صورت به کار رفته است.

به گفته «مصطفی صادق الرافعی»:

«عرب، لغت را بصورت تک واژه‌هایی ناپایدار پدید آورد، لیکن قرآن، به واژه‌ها ترکیبی جاودانه بخشید.

زبان عرب را فرهنگهای مختلفی است که مفردات و ساختارهای فردی کلمات را گرد آورده است، ولی برای لغت

عرب، جز قرآن هیچ فرهنگ و معجم ترکیبی نیست ...»

ترکیب آیات، در قالبی استوار و نظمی به هم پیوسته و انسجامی قوی عرضه شده است، با قبل و بعدش پیوندی خاص و مستحکم دارد، تهی از هرگونه حشو و زواید و دور از هرگونه تکلف، مطابق با مقتضای حال و هماهنگ با مفهوم مورد نظر است.

روش بیانی قرآن، همواره درخشان و بدیع است، هرچند به موضوعات گونه‌گون همچون عبادات، معاملات، عقاید و اخلاق پردازد. با آنکه قرآن بطور عمده، کتاب دین و دعوت است، ولی اغلب بصورتی دلنشین و گیرا در قالبهایی داستانی یا تمثیلاتی زیبا و ملموس یا ترسیم نوعی از درگیرها و صحنه‌های کشمکش جناحی و فردی، اندیشه‌ها را مسخر می‌سازد و وجدان را برمی‌انگیزد و دل و جان را گرفته به سوی افق مورد نظر (ایجاد باور و ایمان و هدایت به حق) می‌کشانند.

گاهی از شیوه «تکرار» بهره می‌گیرد، چه تکرار الفاظ، چه تکرار معانی.

گاهی حکایت و قصه‌ای را مکرر مطرح می‌کند تا با تعبیرهای مختلف، هدف هدایتی را تبلیغ کند. قرآن، کتاب

همه است. اما از آنجا که مردم، برخی به یک اشاره راه می‌افتند و بعضی به شرح و تفصیل و سخنی گسترده دامن محتاجند، به تناسب مخاطبین مختلف، انواعی از «ایجاز» یا «تفصیل» در آیات قرآنی ترسیم می‌شود.

### تصویرگری در آیات

تصویرسازی قرآن از مشخصه‌های بارز دیگر این کتاب آسمانی است. به قول «سید قطب»: «در اسلوب قرآنی، «تصویر»، ابزاری برگزیده‌تر از دیگر ابزارهاست. گاهی برای یک مفهوم ذهنی و حالت قلبی و درونی، تصویرهای حسی و تخیلی (حسامیزی) ارائه می‌دهد، گاهی به آن صورت ترسیم، حیات و حرکت نو می‌بخشد و حالت درونی را بصورت یک تابلوی زنده و جاندار به تصویر می‌کشد. قرآن، صحنه‌ها و حوادث را بگونه‌ای ترسیم می‌کند که از حرکت و حیات برخوردار است.» تصویرسازی قرآنی، گاهی فراتر از سطح و مرز شیوه‌های بلاغتی برخوردار از «بیان»، «معانی» و «بدیع» می‌رود.

از ویژگیهای بارز دیگر قرآن، نغمه‌های بدیع و موسیقی کلمات

و تعبیر است. واژه‌ها و تعبیرات، از حروفی پدیدآمده و ترکیب یافته که پیوستگی صفات آن حروف در زمینه «جهر»، «همس»، «نرمی»، «شدت»، «اعتدال»، «استعلاء»، «قلقله»، «صفیر»، «غُنه»، بی‌همتاست ... کلمات، هماهنگ است و جملات، موزون. ترکیبها استوار است و نظم کلام، مخصوص.

آنچه بر زیبایی این «آهنگ جاویدان» می‌افزاید، هماهنگی و تناسب نغمه‌ها و موسیقی واژه‌ها با غرضی است که سخن بدان جهت ایراد شده است. مثلاً حسرت‌های اندوهبار انسانی را که مستوجب دوزخ است، از این کلمات می‌شنوی:

«يَالْيَتِي لِمَ اَوْتِ كِتَابِيَهٗ، وَكَمْ اَدْرَ مَا حَسَابِيَهٗ، يَالْيَتِيهَا كَانَتْ الْقَاضِيَهٗ ...»  
«مدّه‌ها و «هائسكت» که در این آیات دیده می‌شود، با حالت فروافتادن این حسرتزده دوزخی هماهنگی دارد (الحاقه، آیات ۲۵ تا ۲۷)

یا آنجا که زمزمه آهسته و نجوای پنهان حضرت زکریا را که در محراب نیایش، دست نیاز بلند کرده و می‌گوید: «قَالَ رَبِّ اَنْتَ وَهَنْ الْعَظْمُ مِنِّي ...» آهنگ نیازمندانه پرخشوع و لحن

متوسلانه در ماندگی او را تفهیم می کند.

## فصل بندیها

قرآن صدو چهارده سوره است و با این تقسیم بندی، تدوین شده است.

آغاز سوره ها نیز از اسلوبی ویژه برخوردار است.

گاهی مطلع برخی سوره ها، در دل انسان احساس عظمت و اجلال می انگیزد و شوق تلاوت را در جان می افزاید، مانند آغاز سوره حدید و صف.

گاهی به تکریم و تعظیم وحی الهی می پردازد، همچون مطلع سوره قیامت و ضحی.

گاهی با سوگند آغاز می شود، که انسان را به شناخت آنچه به آن قسم خورده، برمی انگیزد، مانند آغاز سوره کهف و سجده.

گاهی شروع سوره، با «سؤال» یا «شرط» است، مانند مطلع سوره «نبا» و «منافقون»، که این شیوه، دل و جان را به اهمیت دادن به پاسخ یا آگاهی از جزا و نتیجه آن شرط وامی دارد.

گاهی ندای آغازین سوره ها، خطاب به پیامبر یا مؤمنان است. مانند سوره «تحریم» یا «مائده».

گاهی خبری مسرت بخش، آغازگر سوره ای است. مثل سوره «روم».

گاهی هم بی مقدمه، وارد اصل هدف می شود، چون آغاز سوره «برائت».

سوره های قرآن نیز، گاهی تنها به یک موضوع خاص می پردازد، همچون اغلب سوره های کوتاه.

گاهی موضوعات گوناگون و

تفصیل و تقسیم شده است، بگونه ای که میان آیات هر سوره و خود آن سوره، از نظر کوتاهی و بلندی آیات نیز تناسبی وجود دارد. کلمه آخر آیه را «فاصله» می نامند. «فواصل آیات» نیز تکمیل کننده موسیقی و مفهوم آیاتند.

بیشتر کلمات پایانی آیه ها، به «ن» و «م» ختم می شود، که حروف پیش از آنها، «یاء» یا «واو» است. و بسیاری اوقات، حروف اخیر کلمات پایانی هم مشترکند، که علمای قرآنی به این نکته، «تمائل» می گویند و این ویژگی بخصوص در سوره های کوتاه بیشتر است.

گاهی «فواصل آیات»، در بیش از یک حرف مشترک می شود، بی آنکه احساس تکلف یا تصنع کنی. مثلاً در این آیه (قصص ۲۵-۲۶): «قَالَ لَا تَخْفَ، نَجْوَى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. قَالَتْ اٰحَدِيْهُمَا يَا اَبْتَ اسْتَاَجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مِّنْ اَسْتَاَجِرْتَ الْقَوِيَّ الْاٰمِيْنَ» که واژه ظالمین و امین در سه حرف پایانی (مین) مشترک است.

یا در این آیه ها (اعراف ۲۰۰-۲۰۱): «اِنَّ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا اِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوْا فَاِذَا هُمْ مُبْصِرُوْنَ. وَاٰخُوَانُهُمْ يَمُدُّوْنَہُمْ فِی السَّبِيْلِ ثُمَّ لَا يُقْصِرُوْنَ» که دو کلمه فاصله در پایان آیه ها (مبصرون و يقصرون) در چهار حرف مشترک است (صرون).

و هیچ تکلفی هم حس نمی شود.



متعددی را مورد بحث قرار می دهد، مثل بیشتر سوره های بلند قرآن، که در عین حال، با روشی زیبا و هنرمندانه از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می شود.

خاتمه سوره ها نیز جالب توجه است و بگونه ای پایان می یابد که آثاری ماندگار در دل برجای می گذارد، گاهی دعا و نیایش است، چون پایان سوره بقره،

گاهی بیان عظمت و جلالت الهی و صفات اوست، مانند سوره های مائده، اسراء و حشر،

گاهی این احساس را برمی انگیزد که یکی از دوراه خیر و شر را برگزینیم، مثل سوره منافقون،

گاهی با تهدید پایان می پذیرد، مثل سوره طارق و قارعه،

گاهی همراه با وعده است، مثل سوره لیل،

گاهی پایان سوره، یک فرمان است، مثل سوره علق.

سوره های قرآن نیز به «آیات محکم»